

کفتگو در باره...

«دیریزم» هنری

اگر بتوان «دیریزم» را در يك جمله ، معنی و تفسیر کرد ، باید گفت که دیریزم، رهبری و هدایت يك جریان است . صرف نظر از اینکه این جریان، اقتصادی و یا اجتماعی و یا هنری باشد. دیریزم را باید از نظر گاه جامعه‌شناسی مورد مطالعه و گفتگو قرار داد. ایامه دیریزم در زمانی بوجود آمد که آزادی اولیه دوران انقلاب صنعتی، تبدیل به هرج و مرج و بی بند و باری گشته بود. بدین معنی که در نیمه دوم قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم، همراه با پیدایش ماشینیسیم يك نوع «آزادی طلایی» در تمام زمینه‌ها بوجود آمد و نیروی تازه بدوران رسیده انقلاب صنعتی احتیاج به آزادی داشت. ولی رفته رفته این آزادی به هرج و مرج مبدل گشت و قرنی که ما در آن زندگی میکنیم، صرف نظر از بعضی جنبه‌ها و بعضی خصوصیات، تاحدی قرن نشویش و آشفتگی است.

در کشور ما پس از مشروطیت جهش‌های بی بند و بار و بدون ضرورت باعث شد که ما، مخصوصاً در زمینه موسیقی با آزمایش خاصی روبرو گردیم.

فقدان يك چريان رهبري و همچنين نبودن موسيقيدانهاي آگاه و مدرسه ديده و تند روپهاي عده اي ، ما را با يك آشفته گي هنري روبرو کرده است و خوشبختانه ضرورت ايجاد يك چريان ديريزم احساس ميشود و هنرهاي زيباي کشور در مرحله فعلي خواه و ناخواه عهده دار اين نقش تاريخي است .

مقاله حاضر حاوي گفتگوي درباره ديريزم هنري است که بايد گفت مبحث تازه اي است . ضمناً از هنرمندان و علاقمندان تقاضا ميشود که اگر عقايد و نظرياتی در اين باره داشته باشند در اين بحث شرکت جویند .

اين گفتگو با آقاي داربوش صفوت که يکي از هنرمندان آگاه به مسائليست که از تکنیک هنر تجاوز می کند ، صورت گرفته است . گفتگوي نگارنده و آقاي صفوت با حروف «ر» و «س» متمایز گردیده است .

ر- در دنياي آشفته اي زندگي ميکنيم و اين آشفته گي در تمام زمينه هاي اقتصادي ، اجتماعي و هنري بچشم ميخورد و اگر بخواهيم صحيح تر اين موضوع را بيان کنيم ، مي توان گفت که اصلاً آشفته گي در بعضي موارد صفت مشخصه دنياي ما است . باز چه باین موضوع ، لازم مي آيد که يك رهبري آگاهانه و ديريزم خاصي بوجود آيد و آشفته گي امروز را بسامان رساند .

بحث امروز ما درباره نوع و با انواع استفاده از ديريزم در کادر موسيقي ملي ايران است و لازم بتوضيح نيست که امروز در موسيقي ملي ايران اين آشفته گي احساس ميشود . بنا بر اين بدون يك رهبري آگاهانه و مثبت ، آینده موسيقي ايران و موسيقيدانان ما ، تاريک و نابسامان خواهد بود . حال از شما آقاي صفوت تقاضا ميکنم بگوئيد که آیا ديريزم را در شرايط فعلي لازم و مفيد مي دانيد .

س- من معتقد به ديريزم هستم و شايد از فعالترين کساني باشم که فکروايدۀ ديريزم را تبليغ ميکنم . چون موسيقي ملي ما در مرحله فعلي با آشفته گي و هرج و مرج روبرو است و تا يك رهبري صحيح و اصولي بوجود نيايد ، هيچ وضع را مشاهده خواهيم کرد ...

ر- باین ترتيب در اصل ديريزم ، هم عقیده هستیم . فکر ميکنم که صحبت و گفتگوي ما درباره نوع استفاده از ديريزم باشد . چون اگر بنا باشد که استفاده نامساعد از ديريزم بعمل آيد ، بهتر است که چنين رهبري بوجود نيايد . بخاطر من مي آيد که چند سال پيش در يکي از کشورها ، خواستند که موسيقيدانان و آهنگسازان را در کادر ايدۀ نوآووزي خاصي رهبري کنند . و ئي اين امر ، منجر به فاجعه اي شد که کم و بيش تا اين زمان ادامه دارد . حال خواهش ميکنم که عقايد خود را در مورد نوع ديريزم بيان کنيد .

س- من عقیده دارم که ديريزم در موسيقي ملي ما بايد بر مبنای دمکراسي استوار باشد .

ر- چطور ، توضيح بدهيد .

ص- منظور از دمکراسی اینست که اشخاصی که در اجرای یک تصمیم شرکت دارند در اخذ آن تصمیم هم مؤثر باشند. البته هر کس با اندازه قدرت و صلاحیت خود. البته منظور این نیست که برای اخذ هر گونه تصمیمی بآراء عمومی مراجعه شود، ولی بهر حال نظر کسانی که باید تصمیمی را اجراء کنند، مورد توجه و مطالعه قرار گیرد و علاوه بر تصمیمی پس از مشورت با اهل فن و افراد باصلاحیت اتخاذ شود، تا کلیه جوانب امر در نظر گرفته شود. نکته دیگری که درباره دمکراسی باید مورد توجه قرار گیرد، اینست که وقتی بین نظریات مختلف - یا به عبارت دقیق تر بین منافع مختلف - تضاد و اختلاف بوجود آمد، نظراً اثر بت ملاک عمل قرار گیرد و در آخرین تحلیل - در موسیقی ایران - هدف مقدس تکامل و اعتلای موسیقی ملی پیوسته بر کلیه نظریات خصوصی رجحان یابد.

ر- باین ترتیب، موسیقیدانها خود رهبری خودشان را در دست خواهند گرفت. ولی من فکر میکنم که یک موسیقیدان باید بکار اصلی خود برسد. اگر اینطور که شما می- فرمائید باشد، اوقات موسیقیدانان ما گرفته خواهد شد و صرفی بحث و اتخاذ تصمیم خواهد گردید ...

ص- خیر، چنین صحبتی نیست. موسیقیدانان هیچگاه نمی توانند رهبری خود را بدست گیرند. زیرا شرایط رهبری با شرایط کار هنری آنان مغایر است. رهبر و یا رهبران یک جریان وسیع دیربزم هنری بقدری با مسائل گوناگون و مشکلات عجیب، دست بگریبان خواهند بود که دیگر بکار هنری خود نتوانند پرداخت. بنا بر این یک هنرمند (روی این کلمه تکیه میکنم) هیچگاه در کادر رهبری شرکت نخواهد کرد و نمیتواند کرد. ولی بهر حال نظریات چنین هنرمندانی اعم از مسائل مربوط به پرانتیک روزمره و مسائل راجع به منافع اصولی نهضت اعتلای موسیقی ملی، باید مورد کمال توجه و دقت قرار گیرد و هر تصمیمی که اتخاذ می شود، فقط در جهت حفظ منافع هنرمندان اصیل و پاسواد و فعال باشد که این خود نیز گامی است در راه تأمین و پیشرفت و اعتلای موسیقی ملی. در هر صورت، رعایت نظریات هنرمندان صاحب نظر، غیر از اینست که آنان را از کار هنری بازداریم و تمام اوقاتشان را در جلسات مطالعات فنی تلف نماییم که با کار عملی آنها ارتباطی ندارد.

ر- نظریات شما بجای خود صحیح و ولی در شرایط فعلی و وظیفه کادر رهبری چه میشود. آیا کادر رهبری باید با انتظار تصمیم و رای هنرمندان بنشینند و خلاصه مطلب اینکه فقط قوه اجرائی باشد؟ در صورتیکه میدانیم اختلاف عقیده در میان موسیقیدانان ما تا چه اندازه زیاد است.

ص- درست است که اختلاف نظر بین هنرمندان ما زیاد است ولی همانطور که عرض شد باید در این قبیل موارد منافع اصولی نهضت اعتلای موسیقی ملی، ملاک عمل قرار گیرد. بنا بر این موردی برای بروز چنین اختلاف نظرهایی در کادر رهبری باقی نخواهد ماند. حال از شما خواهش میکنم نظر خود را درباره کادر رهبری و نیز درباره تماس کادر رهبری با هنرمندان و کسب نظریات ایشان بیان نمایید.

ر- درباره کادر رهبری نظرم اینست که کادر رهبری باید از اشخاص باحسن نیت و صالح و ضمناً از شخصیت‌های بانفوذ تشکیل شود، تا مانعی در راه انجام کارهای هنری پیش نیاید. زیرا نقش شخصیت در مفید بودن چنین دیربژیسمی بسیار حساس است و به همین جهت اجازه می‌خواهم که چند کلمه‌ای در این باره صحبت کنم.

س- خواهش میکنم.

ر- اگر بخواهیم این بحث را بموسیقی ایران بکشانیم، باید بگوئیم که شخصیت‌های مورد نظر باید سیر جریان تحول و تکامل موسیقی ملی ایران را بخوبی بشناسند و نیرو و استعداد خود را در جهت این سیر بکار بندند و در مسائل فنی و علمی و هنری کاملاً صاحب نظر باشند. شخص هر چند باحسن نیت و وارد باشد، اگر مآخذ اطلاعات و آگاهی فنی-کادر- بخصوص در مورد مسأله حساسی چون موسیقی ایران- غیر وارد و غیر فنی باشد البته نتیجه‌ای کاملاً مطلوب بدست نخواهد آمد.

س- نظر خودتان را درباره قسمت دوم سؤال من بیان نکردید...

ر- کدام سؤال؟

س- درباره نحوه تماس کادر رهبری با هنرمندان و کسب نظریات ایشان.

ر- در این مورد معتقدم که باید يك کادر فنی از موسیقی‌شناسان و منتقدین تشکیل گردد. این کادر بایستی تا حد امکان در بر آوردن خواسته‌های هنرمندان نیز کوشا باشد این هیئت نظر قطعی را به کادر رهبری خواهد داد. خلاصه اگر يك کادر فنی از موسیقی-شناسان و منتقدین باصلاحیت تشکیل گردد، خود بخود، مآخذ اطلاعات کادر رهبری صحیح خواهد بود و تصمیم صحیح گرفته خواهد شد.

در اینجا فکر میکنم که گفتگوی اساسی درباره دیربژیسم و نوع استفاده از آن بعمل آمده باشد. وای يك مسأله مهم باید مطرح شود و آن نقش دیربژیسم در آفرینش هنری است. حال از شما خواهش میکنم که نظر خود را درباره نقش دیربژیسم در آفرینش هنری بیان کنید.

س- گویا منظورتان اینست که آیا می‌توان احساسات هنرمندان را هم رهبری کرد و آنان را به آفرینش نوع بخصوصی از آثار هنری هدایت کرد؟

ر- بله، منظورم همین نکته است.

س- باید اقرار کنم که این موضوع مسأله بسیار پیچیده‌ای است و باید خود موضوع مقالات جداگانه‌ای قرار گیرد. ولی بطور خلاصه باید گفت که اگر کادر رهبری بصورت انفرادی بخواهد عمل کند، موفق نخواهد شد. منظور اینست که آفرینش هنری با تمام جنبه‌های شخصی خود، يك احساس اجتماعی است. یعنی هنرمند، آفرینش هنری خود را از اجتماع اخذ میکند. این احساس در نتیجه سوابق زندگی او در اجتماع بوجود آمده است و اجتماع در بوجود آمدن این احساس سهم مؤثری دارد و بنابراین در هنگام طبقه بندی احساسات، باید آفرینش هنری را يك نوع احساس اجتماعی قلمداد کرد و به همین جهت کادر رهبری کننده باید احساسات اجتماعی هنرمندان را بدقت درک نماید و چنانچه بخواهد آفرینش هنری آنان را در مجرای هدفهای خود بکار اندازد، باید احساسات اجتماعی آنان را بنحوی تربیت نماید که خود بخود برفع دستگاه رهبری و ایده‌های او بکار افتد. و الا تحمیل يك مورد خاص بیک و یا چند هنرمند امکان پذیر نیست و اصولاً منظور از دیربژیسمی که موضوع صحبت ماست جز اینست.

ر- در اینجا باید این نکته را توضیح دهم که دیریزم باید هوادی دربر ناه خود بگنجد و فعالیت هائی را که برای موسیقی ایران زائد است بدور اندازد و ضمناً راههای آینده را بروی هنرمندان بگشاید. در وضع فعلی هنرمندان آفرینندهها اگر بخواهند کاری در زمینه هنرملی، انجام دهند بایستی اصول متعددی را هشیارانه بکار بندند. وظیفه کادر «دیریزم» منجمه این خواهد بود که سنتهای هنری و فنی ملی ما را بصورت روشنی مورد توجه قرار دهد و اصول و تکنیک هائی را توصیه نماید و توسعه دهد که در عین حال موجب حفظ و تحول آن سنت ها می توانند بود، و همچنین هنرمندان را از راههائی که به تحریف خصائص هنرملی ما منجر می گردد بازدارد. نتیجه این چنین رویه ای، اگر بصورتی اصولی و صحیح بکار بسته شود، مسلماً مثبت خواهد بود. در این باره باز هم گفتگو می توان کرد.

ع. م. رشیدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی